

ISSN (Online): 2783-4255

Research Paper

Pathology of the process of moral education and providing solutions for its improvement in elementary School

Zohreh Shaban Yazdel ^{1*}, Ramezan Aghili ²

1. Master's degree in Curriculum Planning, Azad University, Department of Electronics

2. Doctoral student of Curriculum Studies, Shahid Beheshti University

Received: 13/02/2024

Accepted: 11/05/2024

PP:83-98

Keywords:

moral education; the second period of elementary school; Education system

Abstract

Introduction: Moral education is one of the basic functions of the education system. The aim of the current research is to diagnose the process of moral education and provide solutions for its improvement in the second period of elementary education.

research methodology: The current research is a type of theoretical study in a descriptive and analytical way. In this research, qualitative-inductive content analysis method with data coding system was used. The statistical population of the present study was teachers with a master's degree and more than 15 years of teaching experience, who had academic expertise, experimental study, publishing books and articles in the field of moral education. Purposive sampling method was used to select the sample and to estimate the sample size based on the theoretical data saturation law. Data collection was done with two library and field methods in the form of semi-structured interviews. To analyze the data of this research, in the first stage, the data was analyzed based on open coding, and in the second stage, after extracting the subcategories, the main categories were extracted using the axial coding method.

Findings: He showed the most important harms of the moral education process in terms of goals related to weakness in teacher training, in terms of subject matter and content, lack of practical and efficient resources, in terms of teaching methods, the use of memorization-based methods, and in terms of evaluation based on mental reservations and labeling students.

Conclusion: What is certain is that the moral education of students is based on the guidelines provided by the government, but the role of teachers in the learning environment and the institutionalization of moral values to students is undeniable. Therefore, we need a kind of management and fundamental revision in the school environment based on the topics related to the current research.

Citation: Shaban Yazdel, Z., Aghili, R. (2024). Pathology of the process of moral education and providing solutions for its improvement in the second period of elementary school Journal of Transcendent Education. Volume 4, Issue 1, Serial 13, Pp83-98

Corresponding author: Zohreh Shaban Yazdel**Address:** Yazdel, Shahrak Shahid Mustafa Khomeini, Phase 2, Bahar3, No: 337**Email:** raha83216@gmail.com

مقاله پژوهشی

آسیب‌شناسی فرایند تربیت اخلاقی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن در دوره دوم ابتدایی تحصیلی

زهره شبان یزدل^{۱*}، رمضان عقیلی^۲

۱. کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد واحد الکترونیک
۲. دانش‌آموخته دوره دکتری رشته مطالعات برنامه درسی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

مقدمه و هدف: تربیت اخلاقی از جمله کارکردهای اساسی نظام تعلیم و تربیت است. هدف از پژوهش حاضر آسیب‌شناسی فرایند تربیت اخلاقی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن در دوره دوم ابتدایی تحصیلی می‌باشد. **روش شناسی پژوهش:** پژوهش حاضر از نوع مطالعات نظری به شیوه توصیفی تحلیلی با روش تحلیل محتوی کیفی-استقرایی با نظام کدگذاری داده‌ها است. جامعه آماری معلمان با مدرک کارشناسی ارشد بالای ۱۵ سال سابقه تدریس بود که در حوزه تربیت اخلاقی، تخصص دانشگاهی، مطالعه تجربی، چاپ کتاب و مقاله داشتند. افراد نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و حجم نمونه بر مبنای قانون اشباع نظری داده‌ها انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات با دو روش کتابخانه‌ای و میدانی به صورت مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. برای تحلیل داده‌های این پژوهش در مرحله اول، تحلیل داده‌ها بر مبنای کدگذاری باز و در مرحله دوم پس از استخراج زیر مقوله‌ها به روش کدگذاری محوری نسبت به استخراج مقوله‌های اصلی اقدام شد.

یافته‌ها: مهم‌ترین آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی را در بعد اهداف مربوط به ضعف در تربیت معلم، در بعد موضوع و محتوی کمبود منابع کاربردی و کارآمد، در بعد روش‌های تدریس استفاده از روش‌های حفظ محور و در بعد ارزشیابی مبتنی بر محفوظات ذهنی و برجسب‌زنی به دانش آموزان نشان داد.

بحث و نتیجه‌گیری: آنچه مسلم است در عمل تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مبتنی بر دستورالعمل‌های ارائه شده توسط دولت است اما نقش معلمان در فضای یادگیری و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی به دانش‌آموزان انکار نشدنی است لذا نیازمند نوعی مدیریت و بازنگری اساسی در فضای مدارس بر اساس مباحث مربوط به پژوهش حاضر هستیم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

شماره صفحات: ۹۸-۸۳

واژه‌های کلیدی:

تربیت اخلاقی؛ دوره دوم ابتدایی؛ نظام تعلیم و تربیت

استناد: شبان یزدل، زهره، عقیلی، سید رمضان (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی فرایند تربیت اخلاقی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن در دوره دوم ابتدایی تحصیلی. فصلنامه علمی آموزش و پرورش متعالی. دوره سوم، شماره چهارم، پیاپی ۱۲، شماره صفحات ۸۳-۹۸

* نویسنده مسئول: زهره شبان یزدل

نشانی: یزدل، شهرک شهید مصطفی خمینی، فاز ۲، کوچه بهار سوم، پلاک ۳۳۷

پست الکترونیکی: raha83216@gmail.com

مقدمه

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر جهان بینی اسلامی است و بر این اساس یکی از مؤلفه‌های مهم در امر پرورش دانش‌آموزان، تربیت اخلاقی است. گستره تربیت اخلاقی علاوه بر جوامع اسلامی شامل همه انسان‌ها چه معتقد و چه غیر معتقد به ادیان آسمانی می‌شود و همه افراد در هر زمان و مکانی نیاز به تربیت اخلاقی دارند (Samadi & Eghbalian, 2012). این یک اصل پذیرفته شده است که کارکرد مدرسه فقط به این عامل خلاصه نمی‌شود که افرادی هوشمند پرورش دهد که در دنیای رقابتی امروز بتوانند از رقبا گوی سبقت را بریابند، بلکه در کنار این کارکرد از مدرسه انتظار می‌رود که فراگیران تحت آموزش خود را به گونه‌ای پرورش دهند که توانایی آن را داشته باشند که درست را از نادرست اخلاقی تشخیص دهند (Temiz, 2019).

امروزه علی‌رغم تأکید فراوان منابع دینی و فرهنگی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سند تحول بنیادین، چیزی که در جامعه به عنوان خروجی و نتیجه تلاش‌های نهادهای تربیتی خانواده، آموزش و پرورش، رسانه ملی و... دیده می‌شود، چندان رضایت‌بخش و متناسب با ظرفیت‌های تربیتی فرهنگ شیعی و ایرانی-اسلامی نیست (Zadegi Mirzaei, 2015). به عبارتی اگرچه تربیت اخلاقی ملاک عملکرد آموزش و پرورش است ولی شاهد ضعف و نارسایی‌هایی در اجرای برنامه تربیت اخلاقی نهادهای رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت کشورمان هستیم. به نظر می‌رسد این امر مرتبط با عدم کفایت پژوهش‌های نظری و کاربردی در این مورد باشد (Najafi et al, 2014). همچنین رویکرد همه‌جانبه اسناد تحولی تأکید بر پوشش حداکثری محتوی این ساحت در نظام آموزشی کشور دارد در صورتی که در سطح خرد برنامه درسی مورد توجه قرار نگرفته است (Rasti, 2022). نتایج پژوهش‌ها نیز نشان داده که بعد تربیت اخلاقی در ساحت عبادی، اعتقادی، اخلاقی مهجور مانده است (Baratzadeh, 2014). حتی برخی از صاحب‌نظران معتقد به مغفول ماندن این حوزه در برنامه‌های درسی هستند (Afkari, 2014). با بررسی رویکرد اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی، به این نتیجه رسید که این مفهوم در مؤلفه چستی "رویکرد فضیلت‌گرایانه دین‌ورزانه" است و در مؤلفه چگونگی (برنامه‌ریزی درسی)، رویکرد تلفیقی یا فرا برنامه درسی است که ویژگی اساسی آن، آشفتگی می‌باشد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی کاشان، مسائلی از قبیل کاهش علائم روحیه و هویت ملی را تجربه می‌کنند و انحطاط اخلاقی مانند از دست دادن احترام به دیگران در حال تنزل است و ارزشیابی دانش‌آموزان در مدارس از لحاظ اخلاقی یا به طور ناقص است یا انجام نمی‌شود و همین امر باعث می‌شود برنامه تربیت اخلاقی و شخصیتی به طور کامل انجام نشود.

از دیدگاه محقق یکی از برنامه‌های اولویت‌دار توسعه انسانی تقویت شخصیت و تربیت اخلاقی در دوران دوم ابتدایی است که بهترین زمان برای شروع تربیت رسمی است چراکه بر مبنای نظریه پیاژه سنین ۹ تا ۱۲ سالگی تا اوایل نوجوانی واقع‌نگری اخلاقی بر اندیشه کودک مسلط است و به موازات رشد و تحول عقلی این دوره، رشد اندیشه در مورد موضوعات اخلاقی نیز تداوم می‌یابد. کنجکاوی کودکان درباره مسائل قضاوت‌های اخلاقی، و بیان ایده‌ها و افکارشان که برخاسته از زندگی شخصی آن‌هاست نیازمند محیطی است تا زمینه‌ساز رشد و بالندگی آن‌ها شود لذا این دوره از دیدگاه صاحب‌نظران آموزشی از نظر تربیت اخلاقی جایگاه ویژه‌ای دارد به طوری که می‌توان به کمک سیاست‌های آموزشی شخصیت‌شهروندان آینده جامعه را از طریق تنظیم مجدد برنامه درسی آموزش رسمی با اولویت قرار دادن جنبه‌های آموزش شهروندی، آموزش تاریخ ملت‌سازی، ارزش‌های میهنی و عشق به کشور، روحیه دفاع از کشور و آداب و رسوم مملکت اسلامی ایران تربیت نمود. بدون شک برای رهایی از مشکلات اخلاقی که امروزه، با آن‌ها دست‌به‌گریبان هستیم، باید ابتدا از جهات مختلف فرایند تربیت اخلاقی را آسیب‌شناسی نماییم و در مرحله بعد برای رسیدن به اهداف تربیت اخلاقی که در اسناد بالادستی آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی، مشخص شده است، راهکارهای کاربردی و عملی تعریف نماییم. از این رو برای پر کردن این خلأ پژوهشی در حیطه تربیت اخلاقی پژوهش‌هایی از قبیل پژوهش حاضر می‌تواند در زمینه کشف عناصر اصلی تربیت اخلاقی در مقاطع مختلف تحصیلی از جمله دوره دوم ابتدایی نظام تعلیم و تربیت کشور به منظور طراحی مدل‌های برنامه درسی مبتنی بر اهداف تربیت اخلاقی تأثیر بسزایی داشته باشد. در راستای پژوهش حاضر این پرسش‌ها مطرح می‌شود که فرایند تربیت اخلاقی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی تحصیلی کاشان با چه مشکلات و آسیب‌هایی روبرو است؟ و چه راهکارهایی را می‌توان برای بهبود فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی تحصیلی کاشان ارائه داد؟

در بیان پیشینه فرایند تربیت اخلاقی، (Malaki & alipour moghaddam, 2022) معتقدند در پرتو مبانی و اصول برنامه درسی تربیت اخلاقی با رویکرد اسلامی و توجه به مؤلفه‌های برنامه درسی رسمی و برنامه درسی پنهان مطابق با اهداف این الگو می‌توان به تربیت اخلاقی و یادگیری مهارت‌ها و صلاحیت‌های اخلاقی دست‌یافت.

(Rostami et al, 2022) نیز بیان داشتند که عوامل مؤثر بر آموزش اخلاق و تفکر انتقادی در مدارس، مؤلفه‌هایی همچون معلم، برنامه درسی، فضای کلاس درس، مدیریت مدرسه، ارزش‌های گروهی، همدلی، اعتماد اجتماعی، احترام به یکدیگر، جو اخلاقی، تشویق و تنبیه، سطح سواد و درآمد والدین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد، پایداری به ارزش‌های دینی و باورهای مذهبی می‌باشد. همچنین (Emiru et al, 2021) در بررسی چالش‌های موجود درک ارزش‌های اخلاقی توسط دانش‌آموزان مواردی از جمله دین مهجور، روایات نادرست در برنامه

درسی، مدیریت غیر حمایتی مدرسه، فقدان الگوی مرتبط با نظام‌های ارزشی، عدم ارزیابی معتبر از یادگیری و ضعف حمایت والدین را نشان دادند. (Paulo & Bublitz, 2019) نیز معتقدند حل مشکلات امروزی نیازمند تغییرات ساختاری و سطح بالاتر ارزش‌های اخلاقی است. انتظار می‌رود با آموزش اخلاقی، نسل جوان بتواند با محیط اجتماعی سازگار شوند و توانایی تفکر، تصمیم‌گیری مؤثر و عمل مستقل را داشته باشد. ضمن اینکه توانایی شناسایی مسائلی که با آن مواجه هستند را داشته باشند و بتوانند در روابط بین‌الملل با دیگران تعامل داشته باشند. با توجه به آنچه گفته شد سؤالات اساسی پژوهش حاضر بدین شرح خواهد بود: ۱- آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد اهداف فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟ ۲- آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد موضوعات درسی و محتوی فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟ ۳- آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد روش‌های تدریس فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟ ۴- آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد ارزشیابی فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟ و درنهایت هدف اصلی پژوهش آسیب‌شناسی فرایند تربیت اخلاقی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن در دوره دوم ابتدایی تحصیلی می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع نظری و روش آن توصیفی تحلیلی است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوی کیفی از نوع تحلیل استقرایی با نظام کدگذاری داده‌ها استفاده شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش معلمان با مدرک کارشناسی ارشد بالای ۱۵ سال سابقه تدریس مصاحبه‌ای بود که در حوزه تربیت اخلاقی، تخصص دانشگاهی، مطالعه تجربی، چاپ کتاب و مقاله داشته‌اند. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نظری استفاده شد. برآورد حجم نمونه بر مبنای قانون اشباع نظری داده‌ها انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و روش میدانی با مصاحبه نیمه ساختاریافته با دو سؤال کلی زیر انجام شد:

۱) در حال حاضر تربیت اخلاقی در مدارس دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه آسیب‌هایی دارد؟

۲) برای ارتقاء تربیت اخلاقی در مدارس دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه اقداماتی لازم است؟

بعد از گردآوری داده‌های به‌دست‌آمده، مصاحبه‌ها به دست‌نوشته‌های متنی تبدیل شدند، و فرایند تحلیل و تلخیص داده‌های کیفی آغاز شد. در مرحله اول، تحلیل داده‌ها بر مبنای کدگذاری باز صورت گرفت، به این شکل که متن مصاحبه‌ها یا یادداشت‌ها چندین بار خوانده شد و جملات اصلی آن استخراج و به‌صورت کدهایی ثبت شد و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار داده شدند، در ادامه در کدگذاری محوری، طبقات به طبقات فرعی خود ربط داده شدند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره پدیده ارائه گردد، همچنین در این مرحله دسته‌های اولیه که در کدگذاری باز تشکیل شده‌اند باهم مقایسه و آن‌هایی که باهم شباهت داشتند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. در پژوهش حاضر از سه روش زیر برای روایی داده‌های پژوهش استفاده شد. ۱) بازخورد مشارکت‌کننده (۲) تکنیک زاویه‌بندی کریستینسن (۳) ناظران بیرونی. این پژوهش نه‌تنها با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور به انجام رسید، بلکه از نظرات متخصصان برای پایان‌نامه نیز استفاده شده است. به طوریکه در هر مرحله از کار و بر اساس بازخوردهای دریافت شده، تغییرات و اصلاحاتی در کار اعمال شده است.

یافته‌ها

سؤال اول: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد اهداف فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی

تحصیلی چه می‌باشند؟

مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به‌مثابه آسیب‌های اهداف فرایند تربیت اخلاقی

کدهای محوری	کدهای باز
ضعف در تربیت معلمان	ضعف دوره‌های تربیت معلمان در حوزه اخلاقی آشنایی کم معلمان با فنون ارتباطی و اثرگذاری الگو اخلاقی نبودن معلمان تمرکز بر ملاک‌های علمی در گزینش معلمان تا ملاک‌های اخلاقی-ارزشی پایبندی کم برخی از معلمان به ارزش‌های اخلاقی وجود تفکر لیبرال و سکولار عدم آگاهی دقیق و صحیح مربی از آموزه‌های دینی
توجه ناکافی به تدوین سندهای راهبردی	نداشتن اسناد بالادستی مرتبط به تربیت اخلاقی کلی‌نگری در اهداف تربیت اخلاقی در اسناد بالادستی بها ندادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور ضعف در وضع قوانین و اهداف تربیت اخلاقی

آموزان	عدم تغییر اساسی در نظام آموزش و پرورش جهت نهادینه‌سازی معارف و تربیت اسلامی در دانش عدم تنظیم برنامه‌های کامل و دقیق تربیتی جهت پاسخگویی به شبهات و سؤالات دانش آموزان
تمرکز صرف به آموزش	تمرکز صرف بر اهداف آموزشی و تخصصی توجه کم به اهداف تربیتی و پرورشی سهل‌انگاری و قصور مربیان نسبت به تربیت دینی دانش آموزان
نداشتن مدل کاربردی	توجه به موعظه به جای ارائه مدل کاربردی نبود مدل اثربخش و اثرگذار اخلاقی برای معرفی به دانش آموزان تضاد بین روش‌های تربیتی خانواده با مربیان و معلمان و سایر رسانه‌ها عدم توجه معلمان به نقش الگویی خود در حوزه تربیت اخلاقی نارسایی و ناکارآمدی کانون‌ها و نهادهای دینی در مدارس
کمبود نگاه تربیت کاربردی در کارهای فرهنگی	توجه به تبلیغ تا تربیت عدم شناخت دانش آموزان توسط معلم اخلاق نبود ارتباط صمیمانه بین معلم اخلاق و دانش آموز تمرکز اهداف بر حفظ و تکرار کاربردی نبودن اهداف تربیت اخلاقی بی‌اعتقادی و پایبند نبودن برخی از مسئولان به ارزش‌های اخلاقی

سؤال دوم: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد موضوعات درسی و محتوی فرایند تربیت اخلاقی دانش آموزان در دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟

مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به‌مثابه آسیب‌های محتوای آموزشی فرایند تربیت اخلاقی

کدهای محوری	کدهای باز
کمبود منابع کاربردی و کارآمد	کم‌توجهی به آموزه‌های قرآن، احادیث و روایات نبود متون تربیت اخلاقی مدون عدم تبدیل آموزه‌ها و معارف ناب اسلامی به‌صورت مطالب کاربردی و قابل اجرا در شئون مختلف زندگی دانش آموزان عدم همسویی محتوای آموزشی تربیتی با ویژگی‌های مخاطبان عدم تقویت روحیه حق‌گرایی و قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در دانش آموزان
همسو نبودن محتوا با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی	عدم پیوستگی بین محتوا عدم ارتباط افقی و عمودی در محتوای آموزشی تربیت اخلاقی همسو نبودن فعالیت‌های فوق برنامه با محتوای آموزشی عدم همسویی فعالیت‌های جانبی همچون اردوها با محتوای آموزش تربیت اخلاقی نبود لحن روان و جذاب
عدم ارائه الگوی واقعی ایرانی-اسلامی	خالی بودن محتوای از ارائه الگوی اخلاقی عدم بیان صحیح ویژگی‌های الگوهای تربیت اخلاقی که منجر به ظاهر سازی و ریاکاری برجسته نکردن ویژگی‌های شاخص قهرمان‌های ایرانی-اسلامی به‌عنوان الگوهای اخلاقی

تأکید بر سطح دانش	عدم توجه به ابعاد عاطفی و رفتاری در محتوای آموزشی
عدم توازن در پرداختن به سطوح شناختی، عاطفی و رفتاری	
عدم توجه به تلطیف احساسات	
عدم توجه به پرورش روح دانش آموزان به‌عنوان منشأ ارزش‌های اخلاقی	
پردازش کمتر محتوای بشردوستی همچون صلح در برابر جنگ	

سؤال سوم: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد روش‌های تدریس فرایند تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟

مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به‌مثابه آسیب‌های روش‌های تدریس فرایند تربیت اخلاقی

کدهای باز	کدهای محوری
همسو نبودن محتوا با روش‌های تدریس استفاده از روش‌های تدریس سنتی همچون سخنرانی عدم توانایی روش‌های تدریس برای ایجاد بینش و رفتار اخلاقی عدم انتخاب شیوه مناسب در بیان آموزه‌های اخلاقی عدم توجه به اصل آزادی و حریت در فرایند یاددهی و یادگیری نبود خلاقیت و ابتکار در استفاده از روش‌های تدریس عدم استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تربیت اخلاقی همچون تلفیق نفس، فریضه سازی، موعظه حسنه	استفاده از روش‌های حفظ محور
عدم آشنایی با فنون و روش تدریس دوره ابتدایی آشنایی کم با رسالت و اهداف کلان نظام آموزش و پرورش همسو نبودن محتوای ارائه‌شده با شیوه تدریس متناسب با دانش آموزان دوره ابتدایی عملکرد بد برخی از مبلغان دینی کلی‌گویی عدم استفاده از شیوه‌های هنری در آموزش‌های دینی آگاهی کم نسبت به تعلیم مسائل و ارزش‌های موردنیاز زمان بر اساس واقعیات دنیای کنونی	عدم آشنایی روحانیون معلم با روش‌های تدریس
رابطه مملو با خشونت و سخت‌گیری عدم رعایت اعتدال و خودداری از افراط در تبلیغ و گرایش صرف به یک جنبه (سیاسی - اخلاقی) استفاده از تنبیه توجه ناکافی به خصوصیات و ویژگی‌های دانش آموزان عدم توجه به تفاوت‌های بین فردی	استفاده از روش‌های سخت‌گیرانه

استفاده از روش‌های یکسان و قالبی	
عدم توجه به تفاوت‌های فردی در گرایش به خدا و اعمال دینی	

سؤال چهارم: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد ارزشیابی فرایند تربیت اخلاقی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟

مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به‌مثابه آسیب‌های ارزشیابی فرایند تربیت اخلاقی

کدهای محوری	کدهای باز
ارزیابی مبتنی بر محفوظات ذهنی	عدم توجه نظام ارزشیابی به رشد بینش و تفکر عدم توجه نظام ارزشیابی آراستگی به ارزش‌های اخلاقی استفاده از روش‌های ارزشیابی یکسان با سایر دروس همچون ریاضی عدم توجه به تکالیف مهارت محور عدم درک درست معلمان از فرایند ارزشیابی
برچسب‌زنی به دانش آموزان	ایجاد فاصله و فرق گذاشتن بین دانش آموزان تحقیر دانش آموزان ضعیف تبعیض و بی‌عدالتی در رفتارها اجبار و اکراه توأم با برخورد‌های تحکم‌آمیز و امر و نهی‌های لجاجت برانگیز عدم اصلاح رفتارهای خطا با دلیل و استدلال
فراهم نبودن امکانات و شرایط ارزشیابی	عدم برگزاری دوره‌های توانمندی و ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان با موضوع ارزشیابی فرایند تربیت اخلاقی نبود بستر و شرایط مناسب برای ارزشیابی صحیح تربیت اخلاقی

سؤال پنجم: برای ارتقاء تربیت اخلاقی در مدارس دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه اقداماتی لازم است؟

مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به‌مثابه راهکارهای ارتقای تربیت اخلاقی

کدهای محوری	کدهای باز
راهبردهای خرد	آشنا شدن روحانیون با اصول و روش‌های تدریس تربیت اخلاقی توجه به تفاوت‌های فردی در تربیت اخلاقی ایجاد هارمونی و پیوستگی بین محتوای آموزشی تربیت اخلاقی معرفی الگوهای اخلاقی ایرانی و اسلامی شاخص توجه متوازن به ابعاد شناختی عاطفی و رفتاری توانمندسازی معلمان جهت ارتقای صلاحیت‌های حرفه آنان در تربیت اخلاقی ارتباط مستمر با والدین به‌منظور هماهنگی شیوه‌های تربیت اخلاقی

استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه و مبتکرانه	
استقرار نظام ارزشیابی جامع، عدالت محور و تفاوت محور	
طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی	راهبردهای کلان
بهاء دادن به تربیت اخلاقی دانش آموزان در نظام آموزشی کشور	
احساس مسئولیت و تلاش بیشتر مسئولان به‌ویژه معلمان برای رشد اخلاقی خود	
همسو بودن محتوای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی	

بحث

سؤال اول: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد اهداف فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی

تحصیلی چه می‌باشند؟

در تبیین سؤال اول پژوهش بر اساس نظرات بیشتر مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت مهم‌ترین آسیب در فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی، مربوط به ضعف در تربیت‌معلم است. مطالعات گذشته نشان می‌دهند پیش‌شرط آموزش تربیت اخلاقی موفق، بهره‌گیری از معلمان کارآمد است که بتوانند مفاهیم اخلاقی را به دانش‌آموزان این دوره تحصیلی انتقال دهند. از جمله مصاحبه‌شونده شماره ۸ ضمن انتقاد از سواد اخلاقی پایین معلمان بیان داشت: "معلمان پرورش و اخلاقی ما، ضعیف‌ترین معلم‌ها هستند، زیرا نه در این زمینه آموزش دانشگاهی دیده‌اند و تخصص دارند و نه با فنون ارتباطی و اثرگذاری بر مخاطب، آشنا هستند". علاوه بر این مهم‌ترین عامل توسعه پرورش علمی دانش‌آموزان در نظام آموزشی جوامع معلمان و عنصر اصلی فرایند آموزش تدریس است، شیوه تفکر و استنباط و استنتاج معلمان از فرایند تربیت اخلاقی به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری شخصیت اخلاقی دانش‌آموزان اثرگذار است. لذا اگر معلمان نتوانند اصول و مبانی و اهداف تعلیم و تربیت را با ویژگی‌های دانش‌آموزان و نیازهای آن‌ها تطبیق دهند هرگز نخواهند توانست به‌عنوان سازندگان جامعه ایفای نقش نمایند. در این راستا (Temiz, 2019) معتقد است کارکرد مدرسه پرورش افرادی است که توانایی تشخیص درست از نادرست اخلاقی را داشته باشند. علاوه بر این آموزش اخلاقیات و ارزش‌ها علاوه بر وظیفه معلمان، یکی از اهداف اصلی و پایدار نظام‌های تعلیم و تربیت دنیاست که به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده و بر اساس فرهنگ غالب هر جامعه‌ای، وظیفه نهادینه‌سازی ارزش‌ها و فضایل اخلاقی فراگیران را به عهده دارد. مصاحبه‌شونده شماره ۳ با اشاره به ضعف‌هایی در تدوین اسناد بالادستی بیان داشت: "در تدوین سند راهبردی بیشتر به آموزش توجه شده است نه به پرورش و تربیت، مثلاً اگر تعداد کتاب‌های آموزشی و تخصصی که در مدارس هست را با کتاب‌های تربیتی آن‌ها مقایسه کنیم، حاکمیت آموزش بر تربیت و پرورش را می‌توانیم درک کنیم" مصاحبه‌شونده شماره ۴ نیز با اشاره به کلی‌نگری و آرمان‌گرایی سند تحول بنیادین معتقد است: "اهداف کلی که طبق سند تحول بنیادین نوشته‌شده بر مبنای رسیدن به حیات طیبه است خیلی خوب است ولی برای رسیدن به آن باید زیرساخت‌ها خوب و درست باشد، هدف‌گذاری‌هایی که در آموزش و پرورش شده واقع‌بینانه و خوب نیست". پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در سند تحول بنیادین اشاره کوتاهی به تأمین نیازهای فردی و اجتماعی و محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، بانشاط، مهرورز و برخوردار از هویت جمعی شده است و در بخش راهکارها بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی مبتنی بر رویکرد فرهنگی - تربیتی و تقویت و توسعه جنبه‌های تربیتی و اخلاقی آن‌ها به‌منظور فراهم نمودن زمینه تربیت‌پذیری دانش‌آموزان بر اساس فرهنگ ایرانی-اسلامی شده است. ولیکن آنچه در عمل مشاهده می‌شود تربیت اخلاقی در سطوح مختلف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی رفتار دوگانه‌ای را در پیش گرفته است. به عبارتی در سطح کلان سیاست‌گذاری و بر اساس اسناد بالادستی (سند تحول بنیادین و سند ملی برنامه درسی) به‌صورت مشخص به مرزبندی و درجه اهمیت تربیت اخلاقی پرداخته‌شده اما در سطح خرد برنامه درسی به تربیت اخلاقی توجهی نشده است.

اثرات عدم پایبندی به اصول اخلاقی در نوجوانان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی عصر حاضر است که نشان از توجه صرف به مباحث آموزشی در مدارس و غفلت از مؤلفه مهم تربیت اخلاقی در دانش‌آموزانی دارد که بنا به اعتقاد گوتک نخستین جرقه‌های عقل در دوران نوجوانی پدیدار می‌گردد. مصاحبه‌شونده شماره ۳ ضمن اشاره به این موضوع، بیان می‌کند: "در محتوای آموزشی، بیشتر به آموزش توجه شده است نه به پرورش و تربیت". از جمله موارد آسیب‌رسان دیگر در فرایند تربیت اخلاقی، نداشتن الگوی کاربردی برای معرفی به دانش‌آموزان است. مصاحبه‌شونده ۵ در این زمینه معتقد است: "بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مدل‌های کاربردی و مفید تربیت اخلاقی متناسب با سن دانش‌آموزان نداشتیم". در این زمینه می‌توان گفت معلم با توجه به نفوذی که در قلب و اندیشه دانش‌آموزان دارد می‌تواند

به‌عنوان یک الگو موردتوجه دانش‌آموزان قرار گیرد و اگر دارای خصوصیات ناپسند اخلاقی باشد و نتواند نقش یک الگوی مؤثر اخلاقی برای دانش‌آموزان را ایفا کند و یا در مسائل تربیتی دانش‌آموز با اولیاء هماهنگ نباشد، اثر منفی بر شخصیت دانش‌آموز خواهد گذاشت. یکی دیگر از موارد آسیب‌رسان در حوزه اهداف، کمبود نگاه تربیت‌کاربردی در کارهای فرهنگی توسط معلمان و مسئولان نظام آموزشی کشور است. چه‌بسا اهمیت مسئولان مدارس به ارزش‌های اخلاقی تأثیر بسزایی در اخلاقی شدن دانش‌آموزان دارد و در صورتی که متعهد به اجرای اصول اخلاقی نباشند دانش‌آموزان در مورد الگو‌گیری و اجرای مسئولانه اصول اخلاقی دچار تعارض و سردرگمی خواهند شد. مصاحبه‌شونده ۱ در این زمینه اظهار داشت: "الآن اکثر کارهای تربیتی ما به این صورت است که معلم، در هفته یک ساعت در کلاس با دانش‌آموزانی که هیچ شناختی از مسائل و مشکلات آن‌ها ندارد مباحث اخلاقی را مطرح می‌کند در نتیجه اثرگذار نیست. مصاحبه‌شونده ۲ هم بیان داشت: "کتاب‌های درسی اخلاقی که در مدارس ما، آموزش داده می‌شود حفظ محور است و کاربردی نیست، از این‌رو آموخته‌های اخلاقی زود فراموش می‌شوند". علاوه بر این وجود برخی اهداف غیرواقعی و آرمان‌گرایانه و نداشتن شرایط و امکانات رسیدن به آن‌ها، در کنار زیرساخت‌های نامناسب فرهنگی- اجتماعی، دستیابی و عملی شدن آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است به طوری که بنا به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان در سال‌های اخیر شاهد نزول تربیت اخلاقی در دانش‌آموزان هستیم. مصاحبه‌شونده ۷ در این زمینه بیان داشت: "هدف ما از آموزش اخلاق این است که یک جامعه سالم داشته باشیم. ولی با توجه به اهدافی که برای دانش‌آموزان تعریف شده و با آن‌ها کار می‌شود اصلاً چنین چیزی در عمل اجرا نمی‌شود". به‌طور کلی بر اساس پژوهش‌های همخوان با آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی همچون (Baratizadeh, 2014) معتقد است که بعد تربیت اخلاقی در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در سطح برنامه‌های درسی مهجور مانده است (Arthur et al, 2017). معتقدند در الگوی کل مدرسه از همه ظرفیت‌های مدرسه اعم از برنامه‌های درسی، جو مدرسه و روابط انسانی برای انتقال و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی استفاده می‌گردد. (Qurbani et al, 2021) نیز نشان دادند رابطه رفتار بین فردی مثبت و خودکارآمدی معلم با آموزش اخلاقی دانش‌آموزان مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین (Alizadeh et al, 2021) هشت اصل اخلاقی مربوط به ارتباط معلم با دانش‌آموزان را صداقت و درستکاری، تواضع و فروتنی، آسیب نرساندن، عفت پیشگی و پاک‌دامنی، تکریم دانش‌آموزان، عدالت و انصاف، وفاداری به تعهدات حرفه‌ای و احسان و نیکوکاری گزارش نمودند. در تکمیل پیشنهادهای پژوهشگرانی همچون (Maleki, 2014) که معتقد است به‌منظور تنظیم اهداف تربیت اخلاقی، می‌توان از مطالعات علما و دانشمندان و روانشناسان بهره گرفت و برای شناسایی نیازهای اختصاصی دانش‌آموزان باید به محلات، مناطق و... توجه نمود چراکه نیازهای اختصاصی افراد مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت است. کشاورز (۱۳۹۷) نیز بیان داشت در تدوین اهداف، باید معیارهایی مثل توالی، استمرار، جامعیت، وسعت و پیوستگی و تعادل موردتوجه قرار گیرد و اهداف در حیطه شناختی در تمامی سطوح شامل دانش، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و ارزشیابی طراحی شوند و به حیطه عاطفی و روانی - حرکتی نیز توجه گردد. (Malaki & alipour moghaddam, 2022) نیز نشان دادند در پرتو مبانی و اصول برنامه درسی تربیت اخلاقی با رویکرد اسلامی و توجه به مؤلفه‌های برنامه درسی رسمی و پنهان مطابق با اهداف این الگو می‌توان به تربیت اخلاقی و یادگیری مهارت‌ها و صلاحیت‌های اخلاقی دست‌یافت. معلمان نیز راهکارهایی به‌منظور بهبود فرایند تربیت اخلاقی در زمینه اهداف به شرح زیر ارائه دادند:

۱) ضعف در تربیت معلمان: تربیت معلمان در دانشگاه‌های فرهنگیان بر اساس روش‌های اخلاقی به‌منظور اینکه الگوی خوبی برای بچه‌ها باشند، توانمندسازی معلمان جهت ارتقاء صلاحیت‌های حرفه‌ای آنان در تربیت اخلاقی (۲) توجه ناکافی به تدوین سندهای راهبردی: طراحی نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی، بهاء دادن به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور (۳) تمرکز صرف به آموزش: تلفیق محتوی همه دروس با مباحث اخلاقی (۴) نداشتن مدل کاربردی: استفاده از رسانه‌های سمعی و بصری در تربیت اخلاقی، استفاده از رسانه‌ها و سازمان‌ها برای همکاری با آموزش و پرورش و خانواده‌ها در جا انداختن تربیت اخلاقی، احساس مسئولیت و تلاش بیشتر مسئولان به‌ویژه معلمان برای رشد اخلاقی خود (۵) کمبود نگاه تربیت‌کاربردی در کارهای فرهنگی: اجرای مجدد طرح کرامت (۶) اهداف آرمان‌گرایانه و بعضاً غیرواقعی: تعریف اهداف به شکل واقع‌بینانه‌تر، قابل‌اندازه‌گیری و محدودتر و جزئی‌تر و به شکل رفتاری و متناسب با سن دانش‌آموز،

سؤال دوم: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد موضوعات درسی و محتوی فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟

در تبیین سؤال دوم پژوهش بر اساس تحلیل‌های به‌دست‌آمده از اسناد و مدارک رسمی و محتوی مصاحبه‌های معلمان می‌توان گفت تربیت اخلاقی شامل فهرست بلندی از فضایل اخلاقی و صفات پسندیده است که در شخصیت فرد دیده می‌شود و عموماً همین فضایل و صفات، محتوی تربیت اخلاقی را تعیین می‌کنند و اهداف تربیت اخلاقی دستیابی به همین فضایل است. در این میان، یکی از آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی از نظر مصاحبه‌شوندگان کمبود منابع کاربردی و کارآمد از جمله کم‌توجهی به آموزه‌های قرآن، احادیث و روایات، نبود

متون تربیت اخلاقی مدون، عدم تبدیل آموزه‌ها و معارف ناب اسلامی به صورت مطالب کاربردی و قابل اجرا در شئون مختلف زندگی دانش آموزان ... است. مصاحبه‌شونده ۲ در این زمینه معتقد است: "محتوا اخلاقی کم هست و همان مقدار هم که هست مطالب جالبی نیست" مصاحبه‌شونده ۳ نیز اظهار داشت: "منابع و متون تربیت اخلاقی کاربردی و متناسب با نیاز دانش آموزان هوشمند امروزی کم است و در این زمینه کم‌کاری شده است".

در این راستا شواهد پژوهشی یک نارضایتی کلی از نحوه پاسخ‌دهی به تحقق اهداف اخلاقی در عناصر برنامه درسی نشان می‌دهند. (Selahshuri et al, 2012) در این زمینه معتقد است کارشناسان حوزه برنامه درسی، غفلت از اخلاق را در موضوع محوری بیان نموده‌اند بر این اساس انتخاب و گزینش محتوی بر اساس اهداف مصوب شورای عالی، به شکل منظم و اصولی تعریف نشده است بلکه به صورت سلیقه‌ای اعمال شده است به طوری که تفکر اخلاقی و درگیری با امور اخلاقی به نحو عملی ارتباطی با مسائل واقعی زندگی کودکان ندارد و شناخت کاملی از تربیت اخلاقی برای تشخیص صره از ناصره به دانش‌آموزان نمی‌دهد. مصاحبه‌شونده ۹ در این زمینه بیان می‌دارد: "یکی از مواد محتوا توسعه روحیه حق‌گرایی و قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در دانش‌آموزان است و محتوای آموزشی و رفتارهای معلم در این زمینه کاربردی نیست". مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

(۱) همسو نبودن محتوا با نظام جامع کاربردی: با توجه به تأکید بسیار نظام تربیت رسمی و عمومی ایران بر تربیت اخلاقی، عدم پیوستگی بین محتوا، عدم ارتباط افقی و عمودی در محتوای آموزشی تربیت اخلاقی، همسو نبودن فعالیت‌های فوق برنامه با محتوای آموزشی و... در برنامه‌های درسی مشاهده می‌شود. مصاحبه‌شونده ۷ معتقد است: "ضعف اصلی ما در ناهماهنگی نظام تربیتی است و فعالیت‌های جانبی مدرسه همسو با محتوای آموزشی نیست". مصاحبه‌شونده شماره ۴ نیز با اشاره به بحث ارتباط افقی و عمودی محتوای آموزش تربیت اخلاقی اظهار داشت: محتوای آموزشی از اول ابتدایی تا مقاطع تحصیلات تکمیلی باید بر اساس یک نظام تربیت اخلاقی منظم و پیوسته، عاقلانه و بدون تضاد یا سایر پایه و رشته باشد که در حال حاضر این پیوستگی وجود ندارد (۲) عدم ارائه الگوی واقعی ایرانی-اسلامی: بدین معنی که خالی بودن محتوای دروس از ارائه الگوی اخلاقی و عدم بیان صحیح ویژگی‌های الگوهای تربیت اخلاقی همچون قهرمانان ایرانی-اسلامی، منجر به خلأ فرایند تربیت اخلاقی در عناصر برنامه درسی دوره دوم ابتدایی شده است. استناد به روایات اسلامی در ضرورت الگو بودن نشان می‌دهد دعوت مردم به حق با زیاده‌گویی صورت نمی‌گیرد. ضمن اینکه در آیین‌نامه اجرایی مدارس نیز اشاره به الگوی اخلاقی-اسلامی معلمان و مدیران مدارس شده است. مصاحبه‌شونده ۶ در بخشی از مصاحبه خود معتقد است: "رفتار مدیر، ناظم و همه مسئولان به صورت غیرمستقیم بر روی دانش‌آموزان مؤثر است و در راستای محتوای آموزشی تربیت اخلاقی باید باشد که در حال حاضر رعایت نمی‌شود. همچنین محتوی کتب درسی وسایل لازم برای رسیدن به اهداف را در اختیار دانش‌آموزان قرار نداده است." مصاحبه‌شونده ۸ نیز در این زمینه بیان می‌دارد: "محتوای آموزشی ما در حوزه اخلاق و مسائل ارزشی همراه با ارائه الگوی واقعی ایرانی-اسلامی نیست و لازم است الگوهای تاریخی کشورمان با زبان کودکان به دانش‌آموزان ارائه شود. همچنین محتوا متناسب با ده سال پیش است و امروز باید به روزرسانی شود حتی ابزار اجرایی محتوا هم باید مورد بازبینی قرار گیرد". درواقع یادگیری از طریق الگوپذیری یکی از ضروریات تربیت اخلاقی است که عدم کاربرد آن سطحی شدن تربیت اخلاقی در رفتار، بدون درک عمل است. (۳) عدم توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری در محتوای آموزشی: بر اساس متن مصاحبه از معلمان، تأکید بر سطح دانش و عدم توازن در پرداختن به سطوح شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان و توجه کمتر محتوای بشردوستی، آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در حوزه محتوی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند اساس تربیت اخلاقی عواطف و امیال هستند و روش رفتار اخلاقی افراد ناشی از ظرفیت‌های عاطفی آن‌هاست. درواقع امیال ناشی از رغبت‌های افراد خودشان را در عمل نشان می‌دهند و توانایی در کنترل این امیال و تکانه‌ها اساس تربیت اخلاقی است. به عبارتی کودکانی که در اوایل کودکی نحوه کنترل امیال و عواطف خود را می‌آموزند در بزرگسالی نیز زندگی موفق‌تری خواهند داشت. بنابراین، در فرایند تربیت اخلاقی اگر بتوان عواطف اخلاقی دانش‌آموزان را به خوبی پرورش داد تا هر کدام در زمان خاص خود بروز و منجر به رفتار درستی از آن‌ها شوند، می‌توان امیدوار بود که آن‌ها را در مسیر درست هدایت کرده‌ایم. کلبرگ در این زمینه معتقد است استدلال اخلاقی مهم‌تر از عمل اخلاقی است و بر اساس نظریه رشد شناختی در اخلاق با معرفی رویکرد معماهای اخلاقی، معتقد است درگیری و چالش اخلاقی به صورت معما و داستان منجر به رشد اخلاقی دانش‌آموزان خواهد شد. (Alizadeh & Alizadeh Damieh, 2021) نیز بیان داشتند توجه به دانش فراشناخت می‌تواند در زمینه رعایت قضاوت و رفتار اخلاقی مؤثر باشد. (Khatibzadeh et al, 2022) نیز معتقدند آموزش شناختی در افزایش رفتار اخلاقی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. مصاحبه‌شونده ۱ بیان داشت: محتوای آموزشی تأکید بر سطح دانش و سطوح شناختی دارد ولی عاطفه و احساسات و تا حدودی رفتار و عمل کمتر مورد توجه برنامه ریزان آموزشی است (۴) عدم تناسب بین محتوا و روش‌ها و امکانات: متن مصاحبه‌ها، دسترسی تمام مناطق به یک شیوه و یک محتوی، محتوی کم و غیر جذاب، عدم نیروی پیگیر اجرای محتوی تربیت اخلاقی، مشکل در اجرای محتوی و... را یکی دیگر از موانع و آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی نشان می‌دهد. مصاحبه‌شونده ۱۰ در این زمینه بیان داشت: "محتوا آن قدر فشرده و زیاد است که

فرصت برای تربیت اخلاقی نیست. مصاحبه‌شونده ۶ نیز معتقد است " محتواهای ما کافی نیست و نیروی مشاور و مربی که آن محتوا را پیگیری باشد نداریم. مصاحبه‌شونده ۴ اظهار داشت " حجم محتوی زیاد کتاب‌ها باعث خستگی و دل‌زدگی دانش‌آموزان شده است. در مورد تدوین محتوی کتاب‌ها لازم است از معلمان نظرخواهی شود تا مطالب جدید و برحسب موقعیت کنونی دانش‌آموزان استفاده گردد. علاوه بر این با وجودیکه نشانه‌هایی از مؤلفه‌های محتوی و روش در اسناد رسمی دیده می‌شود، ولی هماهنگی در سطح برنامه‌های قصد شده به شکل رسمی دیده نمی‌شود. بنابراین می‌بایست یک نقشه مشترک وجود داشته باشد که بر اساس آن همه دروس از لحاظ مؤلفه اخلاقی ساماندهی و مرتب شوند. راهکارهای مصاحبه‌شوندگان در این زمینه به شرح زیر می‌باشد: (۱) کمبود منابع کاربردی و کارآمد: اختصاص کارگاه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و اولیاء به صورت جداگانه به منظور همسو شدن تربیت اخلاقی معلمان و خانواده و دانش‌آموزان (۲) همسو نبودن محتوا با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی: همسو بودن محتوای آموزشی و رفتار مسئولان آموزشی با نظام جامع کاربردی تربیت اخلاقی (۳) عدم ارائه الگوی واقعی ایرانی-اسلامی: معرفی الگوهای اخلاقی ایرانی و اسلامی شاخص (۴) عدم توجه به ابعاد عاطفی و رفتاری در محتوای آموزشی: توجه متوازن به ابعاد شناختی عاطفی و رفتاری (۵) عدم تناسب بین محتوا و روش‌ها و امکانات: ایجاد هارمونی و پیوستگی بین محتوای آموزشی تربیت اخلاقی، وجود مشاور در مقطع ابتدایی برای پیشگیری از مشکلات اخلاقی دانش‌آموزان، بومی‌سازی تربیت اخلاقی متناسب با شرایط هر منطقه، تلفیق محتوی همه دروس با مباحث اخلاقی، درزمینه تدوین محتوی برنامه‌های درسی، توجه به نظرات معلمان و مدیرانی که به صورت مستقیم با دانش‌آموزان درگیرند. وجود بازرس برای پیگیری آموزش تربیت اخلاقی در مدارس.

سؤال سوم: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد روش‌های تدریس فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان

دوره دوم ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟

بر مبنای نظرات مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت درزمینه تربیت اخلاقی عواملی همچون ابهام در مبانی تربیت اخلاقی، تضاد بین اهداف تربیت اخلاقی و روش‌های آن ضعف و نارسایی محسوب می‌شوند. هرچند که این نارسایی‌ها می‌تواند ناشی از جهت‌گیری‌های خاص اخلاقی و ارزشی هر کشوری باشد ولی اغلب ناشی از ابهام و تردید بسیاری از صاحب‌نظران تربیتی نسبت به اصل تربیت اخلاقی است. (Mirzaportizkharab et al, 2019) معتقدند این ابهام و تردیدها تمامی ابعاد مسئله تربیت اخلاقی، اعم از رویکردها و روش‌ها را شامل می‌شود و بیشترین چالش‌ها و مناقشات را در این حوزه به خود اختصاص داده است. و علت آن روشن نبودن قلمرو تربیت اخلاقی و عدم تبیین کافی معانی، مفاهیم و محتوای تربیت اخلاقی و همچنین فقدان طرح‌ها و مدل‌های روشن برای رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی می‌تواند باشد که علاوه بر آسیب به اصل تربیت اخلاقی، امکان تحقق واقعی و سودمندانه آن را زیر سؤال می‌برد. لذا روشن نمودن و تبیین دقیق رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی، تأثیر بسزایی در ایجاد انگیزه بیشتر در تربیت اخلاقی و ارزشی مؤثر دارد. در پژوهش حاضر استفاده از روش‌های حفظ محور یکی از عوامل آسیب‌رسان این حوزه است. این مقوله شامل همسو نبودن محتوا با روش‌های تدریس، استفاده از روش‌های تدریس سنتی همچون سخنرانی، عدم انتخاب شیوه مناسب در بیان آموزه‌های اخلاقی، عدم توجه به اصل آزادی در فرایند یاددهی و یادگیری، عدم خلاقیت و ابتکار در استفاده از روش‌های تدریس و عدم استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تربیت اخلاقی همچون تلفیق نفس، فریضه‌سازی، موعظه حسنه می‌باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان داشت: تربیت اخلاقی روش‌های تدریس خاص خودش را دارد و استفاده از روش‌های تدریس دروس دیگر نمی‌تواند برای تربیت اخلاقی کاربردی نیست. ما با مبانی اسلامی با روش‌های مختلف تربیتی همچون تلفیق نفس، فریضه‌سازی، موعظه حسنه و... آشنایی نداریم. مصاحبه‌شونده ۱ بیان داشت: " معلمان و مربیان تربیتی برای تدریس و انتقال متون تربیتی و اخلاقی موجود معمولاً از روش‌های سنتی و حفظ محور استفاده می‌کنند که کم بازده است و کمتر به ایجاد بینش و رفتار اخلاقی دانش‌آموزان منجر می‌شود، پرورش اخلاق در مدرسه بسیار کم است و آنچه ارائه می‌شود خود معلم خودجوش اجرا می‌کند ". مصاحبه‌شونده شماره ۵ معتقد است: " مشکل ما استفاده از روش‌های قالبی و یکسان است و تفاوت‌های فردی در آموزش‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و بر اساس این ساختار راه به جایی نخواهیم برد. همچنین زمان برای اجرای روش‌ها کم هست و تعداد دانش‌آموزان زیاد است به همین خاطر نمی‌شود خیلی خوب کارکرد. علاوه بر این چون محتوای خاصی نداریم هدف خاصی هم برای تدریس نداریم برای همین روش آموزش مشخصی هم نداریم. ما یک الگوی در دسترس نداریم و خودمان الگوسازی کردیم و چهارچوبی را درست کردیم و معلم‌ها و مدیرها و همه به صورت خودجوش در حال اجرای اخلاقیات هستند. " با توجه به مباحث فوق مشخص می‌شود جهت‌گیری خاصی در تربیت اخلاقی دیده نمی‌شود. از طرفی برنامه‌های درسی عموماً بعد شناختی قوی تری دارند و به شکل حفظیات ارائه می‌شوند. به عبارتی جهت‌گیری روش‌ها شناختی است. درحالی‌که رویکرد اساسی تربیت اخلاقی فضیلت‌گرایانه است و می‌بایست صفات اخلاقی بیشتر به شکل عملی دنبال شوند. برخلاف (۲۰۱۴) Afkari که معتقد است تربیت اخلاقی در برنامه‌های درسی مورد غفلت قرار گرفته است ولی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در بعد روش، به ابعاد شناختی و حفظ محور کم‌وبیش توجه شده اما به شکل عمیق مورد توجه قرار نگرفته است. مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها به شرح زیر می‌باشد: (۱) عدم آشنایی روحانیون معلم با روش‌های تدریس: در این بخش معلمان بیشتر به مواردی همچون عدم

آشنایی با فنون و روش تدریس دوره ابتدایی، آشنایی کم با رسالت و اهداف کلان نظام آموزش و پرورش، همسو نبودن محتوای ارائه شده با شیوه تدریس متناسب با دانش‌آموزان دوره ابتدایی، عملکرد بد برخی از مبلغان دینی، کلی‌گویی، عدم استفاده از شیوه‌های هنری در آموزش‌های دینی، آگاهی کم نسبت به تعلیم مسائل و ارزش‌های موردنیاز زمان بر اساس واقعیات دنیای کنونی اشاره داشتند. محقق با تأکید بر گسترش روزافزون رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون و اینترنت و آشنایی دانش‌آموزان با فرهنگ‌ها، ادیان، آداب و رسوم و ارزش‌های متنوع و گاه متضاد جوامع مختلف، معتقد است توجه و تمایل بیشتر افراد به امور دنیوی و مادی و... باعث شده که در عصر جدید، تربیت اخلاقی دشوارتر از گذشته باشد لذا تربیت اخلاقی کودکان، نوجوانان و جوانان در جهان امروز برای متولیان اخلاقی و فرهنگی جامعه سخت‌تر از دوره‌های پیشین است و چنانچه در ارائه مسائل اخلاقی، روحانیون آشنایی کافی با ارزش‌های موردنیاز عصر حاضر نداشته باشند و یا به شکل کلی مباحث اخلاقی را بدون کاربرد روش‌های جذاب به دانش‌آموزان ارائه دهند مبانی و اهداف برنامه درسی اخلاقی به شکل مؤثر به فراگیران انتقال نخواهد یافت و پیامد آن سطحی‌نگری در اصول و ارزش‌های اخلاقی خواهد بود. مصاحبه‌شونده ۲ اظهار داشت: "ما در حال حاضر شاهد استفاده درست از روحانیون در مدارس برای تربیت اخلاقی و امور پرورشی هستیم، اما این عزیزان با اصول روش‌های تربیتی دانش‌آموزان دوره ابتدایی کمتر آشنایی دارند، مبانی را مسلط هستند اما برای انتقال آن به دانش‌آموزان لازم است با شیوه‌های آموزش کودکان آشنایی پیدا کنند. در اسناد مصوب راهنمای برنامه درسی شورای عالی نیز چنین بیان شده که معلم در آموزش اخلاقی و دینی می‌بایست از روش‌های متنوعی همچون پرسش و پاسخ، نمایش و داستان‌گویی، گردش علمی و... استفاده نماید. (Mukhammadzhonovna & Asetovich, 2023) تأثیر هنر موسیقی و آواز بر جهان‌بینی و اخلاق کودکان در جامعه از طریق آثار دانشمندان بزرگ با آثار تجربی نشان داده (۲) استفاده از روش‌های سخت‌گیرانه: در بحث آسیب‌های ناشی از روش‌های سخت‌گیرانه، رابطه همراه با خشونت و سخت‌گیری، عدم رعایت اعتدال و خودداری از افراط در تبلیغ و گرایش صرف به یک جنبه (سیاسی - اخلاقی)، استفاده از تنبیه، توجه ناکافی به خصوصیات و ویژگی‌های دانش‌آموزان، عدم توجه به تفاوت‌های بین فردی، استفاده از روش‌های یکسان و قالبی و عدم توجه به تفاوت‌های فردی در گرایش به خدا و اعمال دینی مشاهده و گزارش شده است. مصاحبه‌شونده ۳ در این زمینه معتقد است: "رابطه تربیت اخلاقی با سخت‌گیری و خشونت نمی‌تواند همسو با هم باشد، روش‌های تربیتی نیازمند مهربانی و عطف است، متأسفانه ما شاهد هستیم معلمان این مسئله را رعایت نمی‌کنند و عدم بودجه و کارشناس مناسب خوب و خلاق در ارائه روش‌های تدریس اخلاقی یکی از مشکلات ماست. راهکارهای ده سال پیش را مدام تکرار می‌کنیم و لازم است به‌روز شویم. مصاحبه‌شونده ۴ نیز بیان داشت: "سخت‌گیری و تنبیه در ایجاد احساس ناامنی، طردشدگی، بدبینی دانش‌آموز و فاصله گرفتن از هنجارهای ارزشی تأثیر دارد و منجر به ایجاد مقاومت در فرد و تقویت این تصور که منشأ تمام ناکامی‌های وی محیط است و خودش هیچ نقشی در این مورد ندارد و شکل‌گیری اعمال ضداجتماعی می‌شود. مصاحبه‌شونده ۵ اظهار داشت: مشکل ما استفاده از روش‌های قالبی و یکسان است و تفاوت‌های فردی در آموزش‌های اخلاقی دیده نمی‌شود. بر اساس این ساختار راه به‌جایی نخواهیم برد. بنابراین رابطه همراه با سخت‌گیری، مخالف روش‌های تربیتی اسلام و صاحب‌نظران تربیتی است که برای اثربخشی اصول اخلاقی محبت و مهرورزی را یکی از مؤلفه‌های اساسی در نظر می‌گیرند و باید در موارد خاص و با احتیاط اعمال شود. این خلدون در این باره می‌گوید: رابطه همراه با خشم مری به شاگرد، منجر به خوگیری وی با خشونت می‌شود و باعث می‌شود نشاط و شادی روح او از بین برود و به کسالت و انزوا و دروغ و باطل روی آورد. چراکه بیم دارد که اگر به‌جز این رفتار کند دیگران بر او غلبه می‌یابند و او را مقهور می‌سازند. این‌گونه دانش‌آموز با فریب و نیرنگ آشنا می‌شود و کارهای خود را بر همین اساس پی‌ریزی می‌کند. لذا شایسته است که مربیان و والدین در تربیت فرزندان خود به نرمی رفتار کنند و از خشونت دوری نمایند. راسل نیز در کتاب تربیت خود اشاره می‌کند نکهش و سرزنش کمتر از ستایش و تحسین بکار برده شود و طوری باشد که دانش‌آموز هدف تنبیه را اصلاح خود بداند این‌گونه است که می‌توان به اثربخشی اهداف و اصول مبانی اخلاقی در یک محیط امن عاری از سخت‌گیری امیدوار بود (۳) عدم استفاده از روش‌های فعال و دانش‌محور: در فرایند نظام آموزشی، یکی از معضلاتی که تعلیم و تربیت نونهالان ما را تحت تأثیر قرار داده و ضایعات جبران‌ناپذیری را در جریان یادگیری شناختی دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی مختلف به‌ویژه در دوره ابتدایی به وجود آورده، مسئله عدم استفاده از روش‌های تدریس فعال دانش‌محور در جریان یاددهی - یادگیری است. بر اساس نتایج این پژوهش، آسیب در زمینه کاربرد روش‌های فعال دانش‌محور مربوط به اجرای خودجوش تربیت اخلاقی، دستوری بودن روش‌های تربیت اخلاقی، عدم بودجه و کارشناس مناسب در استفاده از روش‌های فعال، روش‌های تکراری تربیت اخلاقی، عدم آموزش معلم‌ها در زمینه تربیت اخلاقی، زمان کم برای اجرای روش‌ها و عدم آموزش‌های عملی تربیت اخلاقی است. (Gholami et al, 2017) معتقدند به دلیل کمبود وقت و زیاد بودن حجم محتوا و پیچیدگی روش تدریس فعال، امکان توجه به مهارت‌های فرایندی در عمل وجود ندارد. همانطور که نتایج اولیه سومین مطالعه بین‌المللی ریاضیات و علوم در دوره ابتدایی و راهنمایی نشان می‌دهد دانش‌آموزان کشور ما در مقایسه با سایر دانش‌آموزان کشورهای جهان از سطح و توانایی پایینی در عملکرد برخوردارند. مصاحبه‌شونده ۷ بیان داشت: آموزش‌ها گفتاری نباید باشد بلکه عملی باشد بهتر است مثلاً با اجرای نمایش باشد و یا بچه‌ها را درگیر موضوع کنیم مثلاً بگویم در این هفته چه کار خوبی در مورد صداقت انجام دادی؟.

روش آموزشی ما طوری است که معلم وقت ندارد و یا سواد کافی برای دادن آموزش اخلاقی ندارد و یا بعضی از معلم‌ها اصلاً اهمیت به این بحث نمی‌دهند. " (Pentley, 2022) در این راستا بیان داشت بهترین روش رسیدن به این هدف، این است که اولیا و مربیان و معلمان «به‌جای آموزش‌های مستقیم و شفاهی - که صرفاً جنبه بیرونی و ظاهری و دستوری دارد و خیلی زود از بین می‌رود به کودک کمک کنند تا خود شخصاً در سازمان‌دهی روانی خویش به شکل درونی و فعال و توأم با کشف، به منطقی و استدلال برسند. همچنین (Hassani, 2016) معتقد است حجم زیاد مفاهیم اخلاقی، تربیت اخلاقی را به یک جریان ضعیف و کم اثر تبدیل نموده است بطوریکه مضامین اخلاقی به شکل دستوری (موعظه‌ای و شعاری) به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. درواقع این رویکرد نوعی فرو کاهش تربیت اخلاقی به اطلاع -رسانی اخلاقی است. برخی کارشناسان اذعان دارند هر جا اثری از اخلاق در کتب درسی است خشک، دستوری، تصنعی و شعاری است. مثلاً آیه اخلاقی نیکی به پدر و مادر در حد یک تذکر است و اساساً تأکید بر تفکر اخلاقی و استدلال و درگیری با امور اخلاقی به شکل عملی که مرتبط با مسائل واقعی زندگی دانش‌آموزان باشد کمتر به چشم می‌خورد. مصاحبه‌شونده ۶ معتقد است " برنامه‌ها دستوری و کمتر اجرایی است. معلم آموزش را سفت‌وسخت نمی‌گیرد. وزارتخانه باید هزینه کند برای آموزش معلم و معلم مرتب باید در این زمینه به‌روز شود. روش‌های تربیتی معمولاً باید عملی باشند و توسط آموزش‌دهنده اجرا شود و عمل کند به آن تا آموزش‌بیننده بتواند بر آن تسلط پیدا کند و اجرا کند. راهکارهای مصاحبه‌شوندگان در زمینه مقوله‌های روش‌های تدریس فرایند تربیت اخلاقی به شرح زیر می‌باشد: (۱) استفاده از روش‌های حفظ محور: استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه و مبتکرانه (۲) عدم آشنایی روحانیون معلم با روش‌های تدریس: آشنا شدن روحانیون با اصول و روش‌های تدریس تربیت اخلاقی، استفاده از نمایش و شعر در ماندگاری مفاهیم اخلاقی در ذهن دانش‌آموزان (۳) استفاده از روش‌های سخت‌گیرانه: توجه به تفاوت‌های فردی در تربیت اخلاقی (۴) عدم استفاده از روش‌های فعال و دانش‌محور: حمایت مالی آموزش و پرورش و حمایت سازمان‌ها و ارگان‌های خصوصی و دولتی از آموزش تربیت اخلاقی در مدارس.

سؤال چهارم: آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد ارزشیابی فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم

ابتدایی تحصیلی چه می‌باشند؟

امروزه نقش و کارکرد ارزشیابی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هر نظام آموزشی موردتوجه متخصصان و متصدیان این حوزه قرار گرفته است. ارزشیابی یکی از عناصر اصلی برنامه‌ریزی درسی است که نبود آن می‌تواند چرخه یاددهی - یادگیری را با مشکل اساسی مواجه کند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی در بعد ارزشیابی به شرح زیر است: (۱) ارزیابی مبتنی بر محفوظات ذهنی: تحلیل محتوی مصاحبه‌ها، عدم توجه نظام ارزشیابی به رشد بینش و تفکر دانش‌آموزان، عدم توجه نظام ارزشیابی آراستگی به ارزش‌های اخلاقی، استفاده از روش‌های ارزشیابی یکسان با سایر دروس همچون ریاضی، عدم توجه به تکالیف مهارت محور و عدم درک درست معلمان از فرایند ارزشیابی را نشان داد. می‌توان این‌گونه استنباط کرد که فراگیران رویکردهای مطالعه و آمادگی بهینه خود را بر اساس ارزشیابی معلمان تنظیم می‌کنند. در این راستا قنبری و همکاران (۱۳۹۴) معتقدند یکی از ایرادهای اساسی روش‌های ارزشیابی، کاربرد یک روش ارزشیابی بدون توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. ضمن اینکه کوخ و کیت نیز تأکید بر حافظه محور بودن و غیر کاربردی بودن و موضوع محور بودن و غیر خلاق بودن ارزشیابی سنتی دارند. این در حالی است که اگر ارزشیابی بر مبنای درک عمیق فراگیران باشد، منجر به یادگیری معنی‌دار و طولانی‌مدت آن‌ها می‌شود و اگر هدف ارزشیابی تأکید بر موضوعات جزئی و یادآوری اطلاعات باشد فراگیران به حفظ طوطی‌وار مطالب روی می‌آورند. مصاحبه‌شونده ۴ معتقد است: " روش‌های ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های توصیفی برای تشخیص میزان یادگیری و رشد تربیتی دانش‌آموزان تنها محفوظات ذهنی دانش‌آموزان را موردسجش قرار می‌دهد نه میزان بینش، گرایش و آراستگی آنان به ارزش‌های اخلاقی را. همچنین مصاحبه‌شونده ۷ و ۸ بیان داشتند معلمان درک درستی از ارزشیابی در نظام آموزشی ندارند. علی‌رغم اینکه چند سالی است که ارزشیابی توصیفی رایج شده اما این مسئله کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد و معلم سر کلاس دانش‌آموزان را رتبه‌بندی می‌کند" (۲) برچسب‌زنی به دانش‌آموزان: ارزشیابی باید طوری باشد که اصل کرامت انسانی دانش‌آموز موردتوجه باشد و به تخریب شخصیت او و ایجاد احساسات نامطلوب منجر نشود. مثلاً تحقیر دانش‌آموزان دارای عملکرد ضعیف از طرف معلم یا هم‌کلاسی‌ها، یا توهین به آن‌ها و تبعیض در رفتار و توجه به این گروه از دانش‌آموزان، مثل برچسب زدن‌های ناشایست، می‌تواند در ادامه به تعدی به حقوق انسانی این دانش‌آموزان منجر شود. نتایج مصاحبه‌های معلمان در این بخش از پژوهش ایجاد فاصله و فرق گذاشتن بین دانش‌آموزان، تحقیر دانش‌آموزان ضعیف، تبعیض و بی‌عدالتی در رفتارها، اجبار و اکراه توأم با برخورد‌های تحکم‌آمیز و امر و نهی‌های لجاجت برانگیز و عدم اصلاح رفتارهای خطا با دلیل و استدلال را جزء آسیب‌های فرایند تربیت اخلاقی نشان داد. مصاحبه‌شونده ۵ اظهار داشت: " آنچه در عمل شاهد هستیم دانش‌آموزان به دودسته قوی و ضعیف تقسیم می‌شوند و این مسئله سبب برچسب خوردن دانش‌آموزان ضعیف و فاصله گرفتن بیشتر آن‌ها از ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌گردد. امروزه اهداف چندگانه شده مثلاً درعین حال که در ریاضی تدریس می‌کنید می‌توانیم درستکاری را هم برای دانش‌آموز آموزش بدهیم." مصاحبه‌شونده ۶ معتقد است: " در ارزشیابی ما برخی مواقع افراط و تفریط هست، برخوردهای تحقیرآمیز و

تحکمی بادنش آموزان داریم که زمینه لجبازی دانش آموزان را فراهم می‌کند. (۳) فراهم نبودن امکانات و شرایط ارزشیابی: از دیگر آسیب‌های حوزه ارزشیابی، عدم برگزاری دوره‌های توانمندسازی و ارتقاء صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در زمینه تربیت اخلاقی و نبود بستر و شرایط مناسب برای ارزشیابی صحیح تربیت اخلاقی است. مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت: "شایستگی همان ارزشیابی تربیت اخلاقی در قدیم است که امروزه فقط بخشی از آن به ارزشیابی اخلاق می‌پردازد". مصاحبه‌شونده ۴ نیز معتقد است ارزشیابی را خود معلم انجام می‌دهد و مشخص می‌کند یک سری از بچه‌ها از نظر آموزشی و اخلاقی برتر هستند (۴) ارزشیابی غیر نظام‌مند: بنا بر اظهارات معلمان عواملی همچون نظارت ضعیف و فرمالیته در ارزشیابی، ارزشیابی بر اساس قضاوت معلم و عدم شاخص ارزشیابی مناسب یکی دیگر از آسیب‌های فرایند ارزشیابی در حوزه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان است. از جمله این مشکلات خود مفهوم اخلاق است که در صحبت با معلمان متوجه شدیم که هرکدام از زاویه دید خود به تعریف اخلاق می‌پردازند و در واقع یک چهارچوب ذهنی درست که بتوانند آن را ملاک قرار دهند و عملکرد دانش‌آموزان را بر اساس آن بسنجند وجود ندارد و بر همین اساس شاهد انواع قضاوت و داوری درباره عملکرد اخلاقی دانش‌آموزان از سوی معلمان بودیم. بنابراین انجام یک ارزشیابی باکیفیت به نحوی که کمترین آثار سوء را داشته باشد مدنظر محقق است بطوریکه تأثیر امیال شخصی و قضاوت‌های معلمان به حداقل برسد و تا حدودی بتوان با آزمون جنبه‌های مختلف عملکرد دانش‌آموزان، نسبت به شناسایی راهکارهای ارتقاء ابعاد اخلاقی آن‌ها به منظور تقویت عملکرد کارآمد و رشد و پیشرفت اخلاقی آن‌ها اقدام نمود. مصاحبه‌شونده ۳ بیان داشت: "یکی از مشکلات ما عدم برخورداری از شاخص ارزشیابی مناسب است. چون اخلاق یک صفت درونی است و ما ابزار مناسب اندازه‌گیری آن را نداریم بنابراین ارزشیابی ما در این حوزه ضعیف و به شکل فرمالیته است". مصاحبه‌شونده ۹ نیز معتقد است در حال حاضر ارزشیابی فضائل اخلاقی بر اساس قضاوت‌های معلم در مورد اعمال و رفتار دانش‌آموزان است و نمره شایستگی فقط شامل فضایل اخلاقی نیست و شامل موارد دیگر نیز می‌شود". راهکارهای معلمان در زمینه ارتقاء ارزشیابی فرایند تربیت اخلاقی به شرح زیر می‌باشد: (۱) ارزشیابی مبتنی بر محفوظات ذهنی: اختصاص بخشی از درس هدیه‌ها/کتاب درسی/ساعتی جداگانه برای مبحث تربیت اخلاقی که با انجام بازی و دیدن فیلم دانش‌آموز به فضیلت اخلاقی دست یابد چراکه مباحث صرفاً تئوری در این زمینه کافی نیست (۲) برجسب‌زنی به دانش‌آموزان: ارزشیابی عملی و موردی اخلاقی به صورت مشاهده و متناسب با شخصیت هر دانش‌آموز به شکل جداگانه (۳) فراهم نبودن امکانات و شرایط ارزشیابی: استقرار نظام ارزشیابی جامع، عدالت محور و تفاوت محور (۴) ارزشیابی غیر نظام‌مند: ارزشیابی اخلاقی از طریق مشاهده والدین و معلمان و مدیر و ناظم باشد.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

الف) **اهداف:** (۱) پیشنهاد می‌گردد تعریف شایستگی‌های اخلاقی به شکل اجرایی برای معلمان و مدیران مدارس در دستور کار اسناد بالادستی قرار بگیرد (۲) از اهداف استاندارد و کاربردی به منظور آسان‌تر کردن اجرای اهداف برای معلمان استفاده گردد (۳) برنامه‌ریزی مدیران در جهت نظارت بر موفقیت فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان توسط معلمان در مدارس با توجه به شایستگی‌های اخلاقی مدنظر نظام آموزشی ایران باشد (۴) جلسات تبادل نظر از معلمان و مدیران به منظور چینه اهداف فرایند تربیت اخلاقی و ارائه آن به مسئولان و سیاست‌گذاران آموزشی برای گنجاندن این مفهوم در برنامه‌های درسی تشکیل گردد (۵) کارگاه‌هایی به منظور غنی‌سازی شناختی و رفتاری معلمان در جهت تربیت اخلاقی دانش‌آموزان برگزار گردد.

ب) **محتوای آموزشی:** (۱) پیشنهاد می‌گردد به منظور ایجاد تناسب بین محتوا و نیازهای زندگی روزمره دانش‌آموزان، محتوای اخلاقی دروس حول مسائل جامعه سازمان‌دهی شوند و معلمان برای آموزش مهارت‌ها و پرورش فراگیران در این زمینه خود را آماده و متعهد نمایند (۲) همچنین معلمان خلاق در زمینه انتقال محتوای اخلاقی دروس به شکل بازی و فیلم و پویانمایی و ناتر دانش‌آموزان را تشویق نمایند (۳) یک ساعت و کتاب کار به منظور انجام مناسک اخلاقی به شکل عملی در نظر گرفته شود. (۴) جلسات هم‌اندیشی و بارش مغزی به منظور استفاده از راهکارهای عملی ارائه محتوای اخلاقی، توسط معلمان و مدیرانی که ساعات زیادی با دانش‌آموزان مواجه‌اند و با خصوصیات مقطع سنی دوره دوم ابتدایی آشنایی دارند، برگزار گردد.

ج) **روش‌های تدریس:** (۱) استفاده از روش‌های فعال تدریس اخلاقی توسط معلمان به منظور تثبیت مفاهیم اخلاقی و روش‌های کمتر القاء کننده و دستوری در آموزش مفاهیم اخلاقی (۲) استفاده از روش‌های مشارکتی بین دانش‌آموزان در اجرای مفاهیم اخلاقی در مدرسه و مهم‌تر از آن انتقال مفاهیم آموخته‌شده به محیط زندگی اجتماعی خارج از مدرسه.

د) **ارزشیابی:** ارزشیابی از فرایند تربیت اخلاقی با استفاده از روش‌های جدید طبق آخرین تحقیقات انجام گرفته و بر اساس تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باشد (۲) در ارزشیابی از افراد نزدیک با دانش‌آموز مانند والدین، دوستان، آشنایان و ... استفاده شود تا مطلع شویم سطح رفتاری دانش‌آموز به سمت رفتار مطلوب سوق داده شده است یا خیر؟ (۳) می‌توان از واحدهای پروژه محور که رفتار فرد را در عمل بررسی می‌کند استفاده کنیم (مثلاً از روش کیس استادی یا موردی). اما باید در نظر داشته باشیم که تعداد در این روش باید محدود باشد.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که بهترین زمان شروع تربیت رسمی شخصیت به‌منظور تثبیت دستورالعمل‌های اخلاقی و پیشگیری و غلبه بر مشکلات اخلاقی دوران ابتدایی است، لذا محقق با تکیه بر یافته‌های پژوهش حاضر معتقد است منش و تربیت اخلاقی از دیرباز در قانون آموزش ملی هر کشوری آمده است و همه مدارس قادر به شناسایی ارزش‌های بالقوه شخصیت و روحیه اخلاقی دانش‌آموزان خود هستند. ضمن اینکه تربیت اخلاقی به دلیل تأثیرپذیری از گرایش‌های شخصی و زمینه مدرسه با محیط اطراف تکنیک روشن و مشخصی ندارد. لذا هر مدرسه می‌تواند ارزش شخصیتی متناسب با فرهنگ اخلاقی خود را بر دانش‌آموزان القاء نماید. نتایج کلی ارزیابی زمینه در چهار بعد اهداف، موضوعات درسی، روش‌های تدریس و ارزشیابی در فرایند تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی نشان می‌دهد مهم‌ترین آسیب در بعد اهداف دستیابی به فرایند تربیت اخلاقی در دانش‌آموزان، ضعف در تربیت معلمان کارآمد است که تخصص و آموزش لازم را در پرورش اخلاقی دانش‌آموزان ندارند و این امر به‌وضوح انگیزه دانش‌آموزان را در آموزش مسائل اخلاقی تحت تأثیر قرار داده است و لازم است در زمینه تربیت اخلاقی معلمان تدابیری اندیشیده شود. آنچه مسلم است در عمل تربیت اخلاقی دانش‌آموزان مبتنی بر دستورالعمل‌های ارائه‌شده توسط دولت است اما نقش معلمان در فضای یادگیری و نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی به دانش‌آموزان انکار نشدنی است. در بعد موضوع و محتوای فرایند تربیت اخلاقی، ارائه مباحث ارزشی و اخلاقی بدون توجه به جذابیت‌های ظاهری و تئوری‌های یادگیری به‌منظور کاربرد عملی‌تر مفاهیم اخلاقی در زندگی روزمره دانش‌آموزان منجر به یک نارضایتی کلی از موضوعات اخلاقی در مباحث درسی شده است. در بعد روش‌های تدریس به دلیل روشن نبودن قلمرو تربیت اخلاقی و فقدان طرح و مدل‌های روشن در این زمینه، انگیزه‌ای برای کاربرد روش‌های متنوع در تربیت اخلاقی از جانب معلمان مشاهده نمی‌شود. هر آنچه گزارش شده به‌صورت حفظ محور و سخنرانی از جانب معلمان به دانش‌آموزان ارائه می‌شود و بدون تردید مسائل اخلاقی تبدیل به بینش و رفتار اخلاقی در آن‌ها نمی‌گردد. کمبود زمان و تعداد زیاد دانش‌آموزان و فقدان طرح و محتوای مشخص برای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی عملی در دانش‌آموزان نیز روش‌های تدریس معلمان در این حوزه را دچار ابهام و بی‌توجهی نموده است. در زمینه ارزشیابی نیز بر اساس محفوظات ذهنی در مباحث اخلاقی شاهد ارزیابی دانش‌آموزان در مباحث اخلاقی به‌صورت حفظ محور و غیر خلاق هستیم که در نهایت کاربرد عملی در زندگی روزمره دانش‌آموزان نخواهد داشت. ضمن اینکه برخوردهای حاکی از تبعیض و نابرابری بین دانش‌آموزان قوی و وضعیتی و رفتارهای همراه با تحکم و عدم اصلاح دانش‌آموزان با دلیل و استدلال، پذیرش مباحث و ارزش‌های اخلاقی را با نوعی لجاجت و مقاومت همراه کرده است. آنچه در عمل مشاهده می‌شود ارزشیابی مباحث اخلاقی به‌صورت حفظ محور به‌صورت فرمالیته است که قضاوت معلم نیز در درباره عملکرد اخلاقی دانش‌آموز منجر به تحریف نتایج واقعی عملکرد اخلاقی دانش‌آموزان خواهد شد تا در پرتو شناخت درست نقاط ضعف و قوت اخلاقی آن‌ها بتوانیم کیفیت آموزش و تربیت اخلاقی را تضمین نماییم. با توجه به مباحث مطرح‌شده نیازمند نوعی مدیریت و بازنگری اساسی در فضای مدارس بر اساس مباحث مربوط به پژوهش حاضر هستیم که لازم است سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان این حوزه در برنامه‌ریزی کلان آموزشی کشور ایران گامی مؤثر در این زمینه بردارند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم‌های رضایت‌نامه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی‌ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تأمین شد.

مشارکت نویسندگان

انتخاب موضوع و نظارت بر اجرای پژوهش: دکتر سید رمضان عقلی؛ انجام پژوهش و نگارش نهایی: زهره شبان یزدل.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Afkari, F. (2014). Review of ethical education approaches in the elementary period in elementary school textbooks. PhD thesis, curriculum studies field, Allame Tabataba'i University. [In Persian].
- Alizadeh, Sayeh; Alizade Damieh, Turan (2021). Prediction of moral judgment and behavior based on personal-family values and moral metacognition in students. The Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology, Volume: 16, Number: 3. [In Persian].
- Arthur, G., Kristjánsson, K., Harrison. T. Sanderse. W. Wright. D (2017). Teaching Character and Virtue in Schools. London and New York. Routledge.
- Baratzadeh, A. (2014). Study the moral components in the textbooks of Persian and the Gift of Heaven. Master's thesis. Shahid Chamran University, Faculty of Psychology and Educational Sciences [In Persian].

Emiru, A. T., Belayneh, A. S., & Mengstie, S. M. (2021). Challenges in Teachers' Practice of Values-education in Secondary Schools: The Case of East Gojjam Zone, Ethiopia. *Bahir Dar Journal of Education*, 21(2), 69-87.

Gholami, Nadia, Asgari, Mohammad, Jalali, Sadeq. (2017). Investigating the method of using methods and active teaching in the teaching-demonstration process from the perspective of elementary school teachers. *Educational Technologies in*, 4(13), 1-20. [In Persian].

Hassani, M. (2016). Investigation of the moral education approach in formal and general education: the case of elementary schools. *Journal of Islamic Education*, 11(22), 25-51. [In Persian].

Khatibzadeh, Nahid; Dartaj, Fariborz; Tabet, Mehrdad; Bagheri, Nasreen (2022). Comparison of the effect of social-cognitive education and coaching on the moral behavior of female students of the second secondary level. *Scientific Research Quarterly of Psychological Sciences*. 21 (110): 382-367. [In Persian].

Malaki H, alipour moghaddam K(2022). Identifying and Validating the Principles and Objectives of the Moral Education Curriculum Model. *Educ Strategy Med Sci* 2022; 15 (3):280-289. [In Persian].

Maleki, Hassan (2014). Basics and principles of education. Tehran: Aizh Publications. [In Persian].

Mirzaporizkharab, Parveen, Islami, Idris, and Afani, Kamal. (2019). Research on the moral education approach of the dignity plan in school. *Research in Islamic education and training*, 28 (new period) (49), 205-232. [In Persian].

Mukhammadzhonovna, A. S., & Asetovich, K. Z. (2023). moral education of students through the art of music and singing. *international journal of social science & interdisciplinary research issn: 2277-3630 impact factor: 7.429*, 12(02), 12-16.

Najafi, Mohammad; Ghorbani, Mansoura; Nosrati Heshi, Kamal; Shahi, Mohammad (2013). Methods of moral education in the life of Razavi (AS). *Ethical studies*. (17). 113-127. [In Persian]

Paulo, N., & Bublitz, J. C. (2019). How (not) to argue for moral enhancement: Reflections on a decade of debate. *Topoi*, 38, 95-109.

Qurbani, Zainab; Sugar, hope; Fathabadi, Jalil; Sharifi, Masoud (۲۰۲۱). The relationship between teachers' secretarial strengths and their perceived self-efficacy for moral education of students: the mediating role of teacher interpersonal relationship behavior. *New Educational Ideas Quarterly*, Volume: 17, Number: 3. [In Persian].

Rasti, A. (2022). An Investigation into the Type and Amount of Representation of Intended Values of Iran's National Curriculum Document in Vision Series. *FOREIGN LANGUAGE RESEARCH JOURNAL (PAZHUHESH-E ZABANHA-YE KHAREJI)*, [online], 11(4), 713-727.. [In Persian]

Rostami, Idris and Babaei, Erfan and Babaei, Shamsi (۲۰۲۲). An analysis on the combined teaching of ethics and critical thinking among students, the second international conference on psychology, social sciences, educational sciences and humanities. [In Persian].

Samadi M.; Eghbalian T(2012). Fundamentals of Principles and Methods of Moral Education in the Life of the Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (AS), *Two Quarterly Journal of Research in Islamic Education*, Imam Hussein University;; No. 16, 37-64. [In Persian]

Selahshuri, Ahmed and Khonkdartarsi, Masoumeh (2012). Challenges and horizons of complexity theory for religious education, *Culture Strategy Quarterly*, Vol. 24. [In Persian].

Temiz, N. (2019). A Lesson Plan Model for Character Education in Primary Education. *Educational Research and Reviews*, 14(4), 130-139.

Zadegi Mirzaei, Morteza (2015). Pathology of moral education in the educational environment. The second national conference on the pathology of moral education in Iran's educational system. [In Persian].